



• یک‌شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ • شماره ۱۲۹۶

حدیث روز

امام صادق (ع): جaro و کردن خانه، فقر را از بین می برد.

الکافی

ذکر روز یک شنبه

صدمرتبه «یا ذاالجلال و الاکرام»

در محضر بزرگان

دو بال هدایت انسان

علامه محمدرضا حکیمی می فرمایند:

انسان غرق دریای ظلمات است، و هدایت او فقط در «کلام نور» است و کلام نور قرآن است و سخن معصوم. پس آن دو بال، که علم و عمل است، آن است که دین حق را از معصوم بیاموزی، و هم در عقیده و هم سلوک، چیزی با آن نیامیزی، اگر چه از آن چیز اثر بینی، که این اثر خود حجاب است. باید عقاید و اخلاق و آداب و احکام دین خدا از معصوم گرفته شود، بی هیچ التقاطی، که هر چه در آب زلال درآید کدورت است.

الحیات

بریده کتاب

توانایی حرف زدن

مشکل همین است. مای گذاریم دیگران هر حرفی را بزنند و آن‌ها هم آن قدر تکرار می کنند که پرایشان عادی می شود، بعد از مدتی برای ما هم عادی می شود. اگر قرار است در چنین لحظه هایی سکوت کنی، پس توانایی حرف زدن به چه دردی می خورد؟

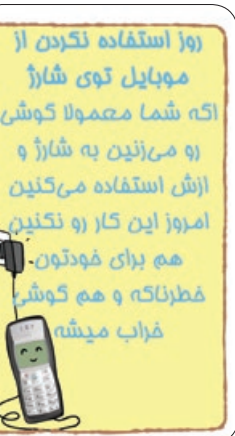
«نفرتی که تومی کاری» اثر انجی توماس

حالی به حالی

آب بند!

حال اون دوش حموی رو دارم که واشرش خراب شده و هر چی محکم تر پیچش رو می پیچونن، بیشتر آب چکه می کنه و به زور نوار فلتون و چسب و جوراب هم آب ریزشش بند نمیداد و آخرش عصبانی میشن و با آچار فرانسه می کوین تو دک و پوزش. امان از این حساسیت های فصل بهار!

قرار مدار



اندکی صبر

غرق دریا

محمد کریمی

ابرپنهان

بالای آسمان زمستان

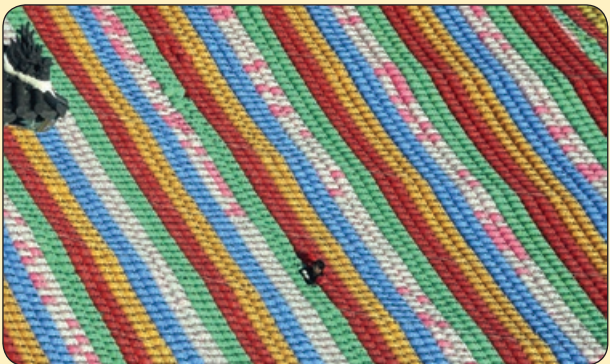
قطره هایش برف شد

رود پر خروش

به دریا رسید...

غرق شد

دنیا به روایت تصویر



آسوشیتد پرس | آماده سازی فانوس ها برای جشن، کره جنوبی

فتوشعر



اف. سی. خانجون

قسمت هفدهم

حنجره صلیبی

مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

سلام ننجون. دفعه قبل که نداشتن قضیه کیدی رو براتون تعریف کنم! ماجرا به اونجایی رسید که نمی داشتن مسابقه بدم. با هزار زور و زحمت راضی شدن برم تو زمین. هی می گفتن: «ننه شما برای تیم پیش کسوتان هم کبر سن داری. دو سال دیگه عمر کنی میری تو باشگاه صدتایی ها، ول کن دیگه.» ولی من گوشم بد هکار نبود. پریدم وسط میدون و اولین کیدی رو که کشیدم، دیدم کل تیم حریف رفت عقب. هی می می رفتم جلو، اونا می رفتن عقب. من رفتم جلو، اونا رفتن عقب. آخرش پریدم همشون رو بز نم که نامردا ریختن سرم. دیدم زورم نمی رسه بز نمشون کنار و خودمونو برسونم به زمین خودی، یهو به ذهنم رسید از اسلحه ویژه‌م استفاده کنم. شروع کردم تندتند از خاطرات نوه نتیجه‌ها و اون خدایامرز حرف زدن. انقدر تند حرف می زدم که هر کدومشون از یه طرف فرار کردن. دو تا از داورا افتاده بودن زمین از گوش شون خون فواره می زد. تماشاچیای عقب پاشده بودن سر پاشوتیق می کردن. ردیفای وسط گوشاشون رو گرفته بودن، فکر کنم یه مدل تشویق خاص باشه. ردیفای جلو هم که از لذت مسابقه بیهوش افتاده بودن.

خلاصه دلتون نخواد سه دست همین طوری امتیاز کامل رو گرفتیم تا رسیدیم به دست چهارم. همچنین که نفسمو چاق کردم و شروع کردم از افتخارات شوهر مرحومم حرف زدن، کاپیتان تیم حریف پرید جلو و پرسید: «راستی قضیه عروسی نوه عفت خانوم چی شد؟» اینو که گفتم، سیم پیچام قاطی شد. از یه طرف می خواستم حرف خودم رو تموم کنم، از یه طرفم باید زود جواب این کاپیتانه رو می دادم که بعدا نگن فلانی آلزایمر داره و حرف برام دربیارن. ناگهان وسط تغییر بحث از افتخارات به عروسی، حنجره‌م قفل کرد و همون جا افتادم زمین. درسته مسابقات رو باختیم، ولی من تو همون بازی اول رکورد امتیاز گرفتن رو زدم. البته دکتر ا میگن رباط صلیبی حنجره ت پاره شده، سه ماه به جز بله و خیر چیزی نمی تونی بگی که هم حالت بدتر نشه، هم بقیه به نفس راحتی بکشی، ولی به «خانوم کبد» شدن تو مسابقات می آریزد.

سه نقطه



تلگراف | مرغ ماهی خواره به دنبال غذایین زباله‌ها، انگلستان

تا بخند

- خیار شور کیلویی ۱۳ تومن؟ دیگه رسما خودش می تونه یه ساندویچ جدا باشه!
- تاثیر عینک آفتابی تو قیافه یه چیزیه در حد انقلاب صنعتی فرانسه!
- یه پسر عمو دارم منتظر می شینه تا از یه کانال چیزی براش بفرستی، تا یه ماه هر چی پست تو اون کاناله برات بفرسته، انگار ما خودمون نمی تونیم بریم بخونیم!
- دانشجوهای ایرانی ترم یک: «من باید چند تا مقاله ISI بنویسم»، همون دانشجو ترم هشت: «داداش همین گزارش کار آزمایشگاه رو داری برم منم کیی بگیرم ارش؟»!
- واقعا میرید عمل می کنین معدمتون رو کوچیک می کنین؟ من می خوام یه کلیه‌ام رو اهدا کنم یه کم جا و اسه معدام باز بشه!
- تو خونه ما نصف حجم اینترنت و اسه این می ره که کسی حال نداره پاشه یه چیزی رو تو گوشیش نشون اون یکی بده، واسش می فرسته تو تلگر ام!

دور دنیا

دستشویی آکواریومی!

آدی تی سنترال - یکی از معروف ترین کافه های قدیمی در ژاپن به نام Hipopo Papa توانتی را طراحی کرده است که محصور در یک آکواریوم با ماهی های کمیاب و لاک پشت های کوچک است. این کافه که از قدیم در ژاپن مشهور بود، حالا با داشتن توانتی با منظره رویایی از ماهیان کمیاب اقیانوس در دنیا هم مشهور شده است.

اعلام بمب گذاری سر کاری برای جانمندن از قطار



فرانس اینفو - مردی برای این که از قطار جا نماند، با تلفن به پلیس خبر بمب گذاری دروغینی را در ایستگاه قطار «ن» در غرب فرانسه اعلام کرد! بلافاصله نیروهای پلیس وارد صحنه شدند و منطقه را برای جست و جوی بمب، محاصره کردند و راه آهن و جاده های این شهر به مدت یک ساعت و نیم برای اقدامات امنیتی متوقف شد. کمی پس از این حادثه، پلیس موفق به یافتن فرد تماس گیرنده شد و دریافت که اقدام این فرد فقط به دلیل ترس از جا ماندن از قطار بوده است. او با حکم زندان تادو سال و جریمه ۳۰ هزار یورویی روبه رو خواهد شد.

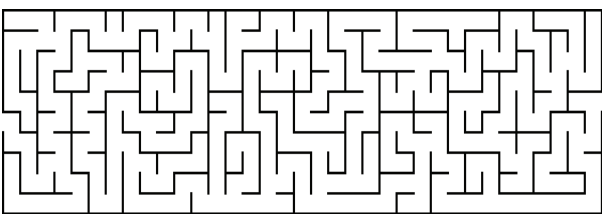
روشن ترین جاده دنیا



آدی تی سنترال - دهکده کوچک Taojia در چین به داشتن روشن ترین جاده دنیا مشهور است. چرا که در جاده ۳ کیلومتری منتهی به این روستا ۱۰۰۰ تیر چراغ برق نصب شده است. در حالی که معمولا در

هر ۵۰ متر یک تیر چراغ برق نصب می شود، فاصله چراغ ها از یکدیگر در این روستا کمتر از ۳ متر است. این اتفاق باعث شده است که تقریبا هیچ ماشینی از این جاده عبور نکند چرا که رانندگان می ترسند با تیرهای چراغ برق این جاده باریک که عرض آن فقط به اندازه یک خودرو است، برخورد کنند!

مار بیخ (سختی ۶۰):



گتی ایمیج | کودکان چینی با لباس سنتی در جشنواره آغاز یادگیری خواندن و نوشتن

تفال

حسب حالی ننوشتیم و شد ایامی چند

محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

دی روز نامه

آذر بفهم مجبورم نون رو گرون کنم، مجبور!

علیرضا کاردار | طنزپرداز

رئیس اتحادیه نان فانتزی تهران در گفت وگو با خبرآنلاین مطالبی گفته که چند جمله اش را نقل می کنیم: «افزایش قیمت آر د شامل اتحادیه ما نخواهد شد، البته ما خواهان افزایش قیمت هستیم زیرا چهار سال است هیچ گونه افزایشی در قیمت نان نداشتیم. اگر قیمت ها افزایش پیدا نکند نانوا مجبور خواهد شد که از کیفیت محصول خود کم کند و وزن چانه خمیر را کاهش دهد.»

اول این که جای تعجب است اتحادیه نان فانتزی داریم ولی روز پسر نداریم! اگر چه بطی ندارد، ولی بد نیست به هر بهانه ای این موضوع را یادآوری کنیم تا بلکه مسئولان در کنار تصمیماتی که برای گرانی خانه و خودرو و دلار و پیاز و بیکاری و ازدواج و سیل می گیرند، نیم نگاهی هم به قشر زحمت کش و مظلوم پسران بیندا زنند! مسئله جالب بعدی استدلال آقای رئیس اتحادیه است که: «اگه گرون نکنین، کوچیکش می کنیم!» خب برادر من چرا تهدید می کنی؟ شما هم بدون هیچ حرفی هم گرانش کنید و هم کوچک، مثل بقیه موارد! لازم نیست اعصاب خودت را خراب کنی و تن ما را هم بلرزانی. اصلا اجازه بدهید خودمان یک راهکار تضمینی آموزش بدھیم تا با خیال راحت بتوانید هر چه نان فانتزی و صنعتی و سنتی است را گران کنید و آب از آب تکان نخورد.

ابتدا باید مسئولان اعلام کنند «نان هیچ افزایش قیمتی نخواهد داشت، مردم خیال شان راحت باشد و نان و ماست شان را بخورند»، بعد خبر نگار صداوسیما را نفرستند در حالی که آستین هایش را بالا زده و مشغول وزن دادن خمیر است یا خودش را توی تنور انداخته، با مردم مصاحبه کند و مردم هم بگویند: «اتفاقا نان خیلی هم ارزان و فروان است» و در حالی که نان خالی گاز می زنند از مسئولان تشکر کنند. بعد اخبار اعلام کند در همه جای دنیا نان آن قدر گران است که مردم آن کشور ها به جای نان، شیرینی خامه ای یا پنیر می خورند. بعد یک مسابقه بسازند که شرکت کنندگان در آن به روش های مختلف نان بپزند و بخورند و در بین برنامه هم هر کسی نان بخواد، ستاره نون مربع را شماره گیری کند به این امید که هر شب به برنده یک وانت نان جایزه بدهند.

در نهایت هم پس از گران کردن نان، فوق فوقش چند تا هشتگ #نون_گرون_ دشمن_جون و #نه_به_نون_به_ترخ_روز خور در شبکه های اجتماعی راه می افتد و برای حمایت از نان ارزان عدد ۹ را به سامانه ۹۰ تا نایان می فرستیم و بعد همه عادت می کنیم و در صفحه های مجازی مان عکس کتاب کنار استکان چای ونان می گذاریم و با گرانی اش جوک می سازیم و فراموشش می کنیم و تمام!

مسابقه چی شده؟

شهر موش موشک ها



سلام. این بار برای مسابقه یه سر رفتیم شهر موش ها! شما باید برای این عکس، یک شرح حال کوتاه یا دیالوگ بامزه از زبان هر کدوم از

شخصیت ها بنویسید و تا ساعت ۲۴ فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ در تلگرام بفرستید. حتما کلمه «چی شده؟» و نام و نام خانوادگی تون رو هم بنویسید. بانمک ترین و خلاقانه ترین پیام ها که اسم نویسنده دارن، چهارشنبه به اسم خودتون چاپ می شه. همیشه خوش باشید. واما چند نمونه:

- * وقتی ناظم سرزده وارد کلاس درسی میشه که معلمشون اون روز نیومده!
- * چی؟ قراره پنیر کوچنی پشه؟ بدبخت شدیم رفت که!
- * بچه ها برگردین، اشتباهی به جای انبار گندم سر از انبار دارو خونه در آوردیم... اوده اوه فرار کنین مرگ موش!

ماوشما

راهار تباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

- * از شعر آموزنده و خوب خانم سحر بهجودر صفحه کودک پنج شنبه با عنوان «اسراف نکن» لذت بردم و آن را به یک مهد کودک پیشنهاد کردم تا ضمن توضیح این که اسراف چیست، بچه ها آن را حفظ کنند.
- * **ارادتمند، دکتر ابراهیم یخشوده**
- * کلافه ام. شبیه کسی که گره کورش به دست که هیچ، به دندان هم وانمی شود.
- مسعود مجنونپور**
- * مطلب اطلاعات درباره سیاهچاله خیلی خوب و آموزنده بود. سپاس از شما
- * نازنین عزیزم، همسر خوبم، تولدت مبارک. همیشه خندان و سالم باشی.
- * عکس اصلاح سر پسر بچه در صفحه همشهری سلام هم جالب بود و هم غم عجیبی در چشمان بچه دیده می شد. کاش همه آوارگان سر و سامان پیدا کنند.